



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۲۰/۰۳/۰۹

دوکتور محمد ظاهر عزیز

زن و فرهنگ



قسمت دوم

"به مناسبت روز جهانی زن"

دوستان محترم،

((من مقاله زیر را تحت عنوان "زن و فرهنگ" قبلاً نوشته بودم که با لطف مدیران مسؤول در روزنامه آرمان ملی در کابل و سایت آریانا افغانستان آنلاین نشر شد. با تغییر اوضاع نا راحت کننده و نا هنجار در کشور ما و نا امیدی ها که از احتمال بازگشت گروه ایکه کوچکترین حرمت به مقام، عزت، بزرگواری و حقون زن در گذشته ها نداشته و ندارند، مطالب ذیل را به هموطنان و خاصتاً زنان صاحبقدر افغان تقدیم می نمایم تا مقام، بزرگواری اجتماعی و فرهنگی اما، به صورت مشخص سهم و توانایی زنان را در تغییر و بهبود حالت زار کشور، بدانیم و همه حرمت نماییم))

این نوشته پنج بخش دارد. در این نوشته بخش های سوم و چهارم خدمت هموطنان تقدیم می گردد. بخش های بعدی در آینده نزدیک ارایه خواهند شد.

۳) ستم و ناروایی در حق زن :

با وجود توصیه ها و احکام دینی در مفاد حقوق زن، با وجود امضا در پای اعلامیه جهانی حقوق بشر که متضمن حقوق بشری و انسانی بدون در نظر داشت جنس(زن و مرد) است و با وجود طرح و قبول قوانین دولتی در اکثر کشورهای جهان، با تاسف ملاحظه میگردد که در اکثر کشورها، خاصتاً در جوامع عقب مانده مانند کشور ما، افغانستان که سوبه تعلیمی کم رشد دارند و آموختن را هنوز آیینیه اصلی فرهنگ حساب نکرده اند، ستم و ظلم و ناروایی های غیر انسانی و غیر اخلاقی را در حق زن روا میدارند. مردها خود را شایسته تصمیم گیری، حکومت داری، طرح ریزی امور اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و زن را مستحق سکوت و قبول حکم مرد میدانند. چنین عمل

مردان در حق زن، به هر مفهومی که باشد غیر انسانی و غیر اخلاقی است و حتماً از فکر و عقیدت پس رفته نشأت می نماید.

ستم بر نوع زن در تاریخ بشریت اولین ستمی بوده که جنس مذکر بر هموعان خود اعمال کرده است. چون زن از نظر قدرت و توان جسمی مخلوق با صفا و پر صلح و از لحاظ نیروی معنوی انسان پر برکت و رحم دل است. مردها از صفائی و رحم دلی زن و از قوت و نیروی بدنی خود بر علیه زن سوء استفاده نموده و این نوع سوء استفاده ها به شمول دست داشتن و صورت استعمال اسلحه علیه زن یا به منظور ستم جسمانی و یا آزار معنوی ادامه دارد. از شلاق زدن گرفته تا محصور کردن زنان در چهار دیوار خانه و منزل، از نگهداشتن زنان در تاریکی جهل و بی دانشی گرفته تا ابا ورزیدن حق کار زنان، این همه ستم بر حق زن، با استفاده از نیروی جسمی مردان صورت می گیرند.

جای بس تأثر و تاسف است که در جوامع پس مانده چون افغانستان، اجرای ناروایی ها علیه زن و یا دوام ستم بر زن را توجیه خاص میدهند و چنین اعمال ستم علیه زن را هماهنگ با ارزشهای فرهنگی و دینی می سازند و کوشش میکنند که به حسنات دروغین مرد ها که به دست خود آنان ساخته شده است و همچنان به قوانین خود ساخته ایکه ستم بر زن را مشروع می سازد، روایات قوانین خود ساخته مردان را برحق حساب می نمایند و آنرا مبدل به ارزشهای فرهنگی جامعه می گردانند، درحالی که این نوع طرز تفکر، سیاست، عمل و قانون گذاری نا مشروع، نه اساس دینی، نه اعتبار معنوی، نه حقانیت انسانی و نه صفات فرهنگی دارند.

۴) فرهنگ اسلامی و زن :

دین مبین اسلام برای زن مقام ارجمند به عنوان یک انسان قایل است. برحسب احکام آیات قرانکریم، مرد و زن در خلقت از یک ذات و جوهر اند. زن و مرد، برابر، جدا نشدنی و متکامل همدیگر اند. حذف یکی از آنها انکار دیگری است چونکه خداوند (ج) همه انسانها را از شخص واحد و نفس واحد پدید آورده. در آیه اول سوره نساء، خداوند (ج) می فرماید " ای مردمان بترسید از پروردگارتان که بیافرید شما را از نفس واحد و بیا فرید از آن جفت آنرا و منتشر ساخت از آن دو، مردان بسیار و زنان" این آیه کریمه به ما می فهماند که انسانهای سیاه و سفید، گندمی و زرد رنگ، مرد و زن، قد بلند و قد کوتاه، بنی بلند و بینی کوتاه، کم مو و یا کوسه، از یک ذات و جوهر اند و همه شان بنده گان خداوند (ج) هستند که با ارتباط و اعتبار جنس، بلندی قامت و رنگ مو و پوست، کرامت بیشتر ندارند.

در آیه نهم سوره نساء، خداوند (ج) بر مردان حکم می فرماید: "و عاشروهن بالمعروف" زندگانی کنید با زنان به وجه پسندیده. " تفسیر این آیه مبارکه بما می آموزد که خداوند (ج) در حق زنان مهربان است چونکه بر مردان حکم فرموده با زنان در گفتار و کردار، با خلق خوش و رفتار نیکو معامله کنند و ذلت و آزاری را که در دوره جاهلیت بر زنان روا میداشتند، ترک نمایند.

خداوند (ج) در قرانکریم می فرماید (سوره ۳۰- آیه ۲۱) " و از نشانه های او تعالی است که آفرید برای شما یان از نوع خود شما، همسران تا آرام گیرید با آنان و ساخت میان شما دوستی و مهربانی" در این آیت شریف مطلب از "

نوع خود شما" همان نوع انسان است. دوستی و مهربانی در آیت شریف "مودت و رحمت" آمده است. این آیه مبارکه اساس ازدواج زن و مرد را بیان می کند.

اسلام آن محاسن دروغین را که مردان با ارتباط همنوع خود برای خود ساخته اند و خود را از زنان برتر میدانند، باطل می شمارد و چنین طرز تفکر و عقیده را یعنی برتری مرد را با ارتباط جنس او، ناجایز دانسته رد میکند. در اسلام نیک خصلتی، پرهیزگاری، ایمان و عمل صالح و پابندی به اوامر خداوند (ج) مقام بس بزرگی دارد. اسلام ملاک و معیار برتری را برکمال و فضیلت و تقوا می شمارد نه بر حسب جنسیت، قوم، نسب، خاندان یا رنگ. در آیه سیزدهم سوره الحجرات که حکم الهی است مبنی بر برابری انسانها، خداوند (ج) می فرماید "ای مردمان (هر آینه) ما آفریدیم شما را از یک مرد و یک زن و گردانیدیم شما را نژادها و قبیله ها تا باهم شناسا شوید، به تحقیق گرامی ترین شما نزد الله پرهیزگارترین شماست." این آیه مبارکه که از یک طرف برتری انسانها را بر حسب نژاد، زبان، قوم و رنگ، باطل حکم میکند و مقام و برتری انسانرا بر پایه تقوی استوار میداند، رهنمای مبارک و کاملی است به منظور پیاده نمودن اصول و پایه های اجتماعی و دموکراسی واقعی، در کشورها و جوامع اسلامی، بر پایه های مساوات همه مردم و هر دو جنس زن و مرد. حضرت رسول اکرم (ص) پیغمبر مسلمان ها در مورد زن صالح و مرد فاسد چنین فرموده اند "یک زن صالح و حق پرست، بهتر و شریفتر است از هزار مرد نا صالح و فاسد."

دین مبین اسلام در باره انکشاف مجموع ارزشهای فرهنگی مرد و زن از طریق پایه ریزی و تعمیم کامل تعلیم و تربیت برای هر دو جنس، آموختن، نوشتن و نقش تعلیم و تربیت به منظور انکشاف فکری، توسعه امور اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و معنوی یعنی آموختن برای زیستن آرام و پرشرافت، توصیه جدی، برحق و لازم ارائه می نماید.

آموختن علم و دانش را بر زن و مرد لازم حکم میکند و استفاده از علم و دانش را جهت رفاه جامعه در قید فکر تنها مرد و یا تنها زن قرار نمی دهد. در نظر اسلام و با ارتباط هر دو جنس مرد و زن، درجات ایمانداران و کسانی که علم و دانش کسب نموده اند، بزرگ و صاحب احترام اند.

خداوند (ج) در آیه یازدهم سوره مجادله می فرماید "خداوند (ج) بلند می سازد درجات ایمانداران را از شما و کسانی را که به ایشان دانش اعطا کرده شده."

ایمان راسخ، علم و دانش انسان را ادب و تهذیب می آموزد و صاحب فرهنگ انسانی می سازد. از فحوای آیه کریمه استنباط می شود که هیچ نوع کیفیات حسنه بر جسته و بالاتر از علم و دانش که کسب آن بر زن و مرد فرض است، وجود ندارد. اهمیت تعلیم و تربیه در دین اسلام به حدی است که اولین کلمات وحی سماوی بعبارت "اقراباسم ربک الذی خلق" می باشد و به همین اساس موضوع پرورش روحی و تربیت فکری یعنی توسعه فرهنگی مرد و زن، در لابلای تعلیم قرآنی، موضوعاتیست که در راس همه مسایل قرار می گیرد و بر زن و مرد فرض میگردد.

کشورها و جوامع اسلامی که احکام و تعالیم قرآنی را خوب فهمیده اند و از ارزشهای معنوی آن استفاده درست نموده اند، کوشش می نمایند با استفاده از روحیه و تعالیم قرآنکریم در زیر عنوان فرهنگ اسلامی هدف ها، روش ها و انکشاف تعلیم و تربیت را در راس مسایل اجتماعی قرار دهند و جهت انکشاف فرهنگ تمام مردم و طبقات جامعه

خویش، از ارزشهای ثابت آن استفاده عظیم می نمایند، چونکه اسلام به قابلیت بشر برای رسیدن به کمال، که سرحد ندارد، از راه تعمیم تعلیم و تربیه برای مرد وزن، دختر و پسر و بدون قید زمان و مکان و یا حدود کسب دانش، حکم مجدانه دارد.

برحسب فرهنگ اسلامی و برای نخستین بار در تاریخ بشریت، نظریه آموزش مداوم، توصیه گردید و مسلمانان را دعوت کرد تا "از مهد تا لحد" یعنی "از گهواره تا گور" دانش بجویند. اسلام زنان و مردان را به آموختن امر کرد تا بتوانند به نوبه خود تعلیم و تربیه دیگران را به عهده بگیرند یعنی در انتقال انکشاف و پخش دانش و فرهنگ کوشش دائم، خسته ناپذیر و صاحب اعتبار بنمایند و بدین صورت، اما با اطمینان کامل، فکر معقول و توسعه یافته بر مزایای احکام قرآنکریم و سنت حضرت رسول (ص) آشنائی کاملتر حاصل نمایند و بالاتر از آن، مرد وزن مشترکاً در پی یافتن و یا بازیابی راه های حیات آرام و پر شرافت با همه کیفیات آدمی یعنی توسعه فرهنگ اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و بر اساس مزایای "دین و دانش" و بدون قیود زمان و مکان و حدود دوشا دوش همدیگر و بر حسب احترام و شرافت انسانی متحداً و یکجا، بکوشند.

با تفصیل مطالب بالا باید مسلمانان بدانند که مردان حق ندارند دختران و زنان را از مکتب رفتن و آموختن تعلیم، تعلیم به معنی کامل آن، باز دارند. منع دختران و زنان از با سواد شدن و مکتب رفتن خلاف احکام اسلامی است.



قسمت اول این نوشته را با کلیک بر لینک آریانا افغانستان آنلاین در زیر مطالعه فرمائید:
http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/aziz_zaher_zan_wa_farhang_1.pdf

زن و فرهنگ (قسمت دوم)